

تمپوکراسی: چرا ترامپ زمان می‌خرد و ایران چه باید بکند

دونالد ترامپ، از مجرای روایت «صلح از طریق قدرت» هژمون نظام بین‌الملل را وارد جنگی با ایران کرد که پس از ۴۰ روز تقابل نظامی نتوانست به هیچ‌یک از اهداف اعلامی و اعمالی خود دست یابد. از این نقطه به بعد، درگیری انتخابی آمریکا تبدیل به جنگی حیثیتی برای آن می‌شود. وقتی قدرت برتر مطلق جهانی، که به اذعان برخی از زمان امپراطوری روم مانند آن دیده نشده است، با تمام نمادهای هژمونیک خود وارد میدان می‌شود و پس از چهل روز نه می‌تواند تغییر رژیم را رقم بزند، نه برنامه هسته‌ای را برچیند، و نه حتی باعث «تغییر رفتار» یا «تضعیف قدرت» جمهوری اسلامی شود، مسئله‌ی برای آن در قامت موضوعی حیثیتی جلوه‌گر می‌شود. اینجاست که مفهوم تمپوکراسی (Tempocracy) به معنای تلاش برای خرید و سلطه‌ی زمان پیش می‌آید. تمپوکراسی برای ترامپ در این فقره، به معنای طولانی کردن زمان آتش‌بس برای جبران شکست‌های مدیریت بحران، دیرتر باختن یا شاید هم تبدیل شکست به پیروزی است.

دو مسیر و یک بن‌بست

دو مسیر پیش‌روی ترامپ برای رهایی از باتلاق ایران ادامه جنگ یا مذاکره است. مسیر مذاکره از همان آغاز آتش‌بس با موانع بسیار مهمی روبرو بوده است. ترامپ گرچه بخت خود برای کسب آنچه در میدان جنگ به دست نیآورده، را در میدان دیپلماسی می‌آزماید، اما ایران امروز با همان موشک‌ها، پهپادها و متحدان غیردولتی در طول ۴۰ روز جنگ نشان داده که «شروط ده‌گانه» اش آن چیزی نیست که با تهدید نادیده گرفته شوند. آمریکایی‌ها به خوبی واقف به این واقعیتند که آنچه را که در جنگ ثبت نکرده‌اند، نمی‌توانند امضایش را در میز مذاکره بگیرند. پس مسیر به احتمال بسیار زیاد تنها مسیر باقیمانده بازگشت به جنگ است که در این میدان نیز محدودیت‌های جدی پیش‌روی ترامپ وجود دارد.

نخست، محدودیت زمانی است. اگر جنگ مجدد بیشتر از ۶۰ روز طول بکشد، با توجه به تلاش‌های مکرر دموکرات‌ها، کاخ سفید برای ادامه جنگ به معجز سنا نیاز خواهد داشت. معجزی که با توجه به تحولات میدانی چهل روز نخست، بعید است به راحتی صادر شود. بنابراین، ترامپ در صورت جنگ مجدد باید جنگی کوتاه و ضربتی در پیش بگیرد، چیزی که ایران اجازه اتخاذ آن را نخواهد داد. محدودیت دوم تاب‌آوری جامعه داخلی آمریکا است. افزایش سرسام‌آور قیمت بنزین و سایر نهادهای انرژی، جامعه‌ای را که تورم و گرانی را تاب نمی‌آورد، به سرعت علیه یک جنگ فرسایشی بسیج خواهد کرد. محدودیت سوم و مهمتر از همه، دست برتر ایران در میدان است. چهل روز جنگ رمضان نشان داد که ایران توانایی تحمیل هزینه‌های سنگین و برهم زدن معادلات منطقه‌ای را دارد. در چنین شرایطی، تنها سناریوی قابل تصور برای آمریکا، شروع جنگ در زمانی است که ایران در آسیب‌پذیرترین حالت ممکن قرار داشته باشد و ترامپ در انتظار رسیدن این حالت، در حال خرید زمان است تا: اولاً توان تضعیف‌شده خود و اسرائیل را بازآرایی کند، ثانیاً منتظر بماند تا ایران وارد فصل گرما شود؛ زمانی که نیاز جامعه به انرژی بیشتر می‌شود و هزینه فشار اقتصادی چند برابر خواهد شد؛ ثالثاً شاید بتواند متحدان عرب خود را اینبار مستقیم و آشکار وارد میدان نبرد کند. این تمپوکراسی یعنی خرید زمان برای ضربه زدن در ضعیف‌ترین نقطه، راهبرد آشکار ترامپ است.

ایران چه باید بکند؟

نخستین و حیاتی‌ترین اقدام ایران در برابر راهبرد پیش‌گفته‌ی ترامپ، بازتعریف آستانه‌ی تحمل خود در مقطع آتش‌بس است. در شرایط فعلی، اگر ترامپ همچنان محاصره دریایی، حمله به کشتی‌ها و تهدیدها را به‌عنوان اقدامات در زیر

آستانه‌ی تحمل ایران ادامه می‌دهد، لازم و وجاب است که جمهوری اسلامی رویکرد خود را تغییر دهد. ایران باید سطح آستانه‌ی خود را به اندازه‌ای پایین آورد که هر اقدام منجر به نقض آتس‌بس به مثابه حمله‌ی تمام‌عیار تلقی شود و در مقابل آن پاسخی محکم بدهد. به واقع سطح آستانه‌ی تحمل در شرایط کنونی نباید چنان ترسیم شود که دشمن احساس امنیت کند. دوم، ایران باید تمام توان دیپلماتیک و میدانی خود را بر این گزاره متمرکز کند که اگر قرار بر بازگشت به جنگ است، هر چه سریعتر این جنگ آغاز شود و وقتی آغاز شد، هم گستره و هم شدت آن چنان باشد که محاسبات طرف مقابل را برای همیشه تغییر دهد. در چنین سناریویی، زمان دیگر به نفع ترامپ نیست و تمپوکراسی او شکست خواهد خورد.

شاید وقت آن رسیده که کسی به ترامپ بگوید «آقای رئیس‌جمهور، برگرد، برگرد در حالی که شکست را پذیرفته‌ای».